



از راست:
مسجد شاه (سیدالشهداء)، مقبره
خوی و پل خاتون

کار ازبکان، که از ناحیه‌ی خراسان ایران را تهدید می‌کردند در حمله‌های ناگهانی به آذربایجان تاخت، عثمانی‌ها را بیرون راند و به اشغال ۲۷ ساله‌ی خوی پایان داد.

این اما پایان کار ناامنی خوی نبود. ارتش عثمانی پس از این شکست بارها به سلماس و خوی و تبریز و چالدران حمله‌ور شد اما از سوی گروه‌های نظامی وفادار به دولت صفوی با آن‌ها مقابله می‌شد. چند بار نیز شاه عباس خود فرماندهی مقاومت و ضد حمله را به دست گرفت.

حمله‌ی عثمانی‌ها به رغم قراردادهای صلح تا ۱۰۴۹ که قرارداد صلح قصر شیرین به امضا رسید ادامه یافت و به مردم آذربایجان و خوی لطمه‌های جانی و مالی وارد آورد. این قرارداد پایه‌ای برای معاهدات بعدی قرار گرفت و مبنای مرزی میان ایران و ترکیه و عراق شد.

شوربختانه آذربایجان و خوی بار دیگر در معرض دست‌اندازی، توسعه طلبی و جنگ‌های ایدئولوژیک قرار گرفت

یک بازرگانان ونیزی که پیش از ۹۱۳ ه ق از خوی گذشته است از شروع آبادانی خوی در زمان شاه اسماعیل نوشته و اشاره کرده است که شهر سه منار از شاخ آهو دارد (شاه اسماعیل در شکار و کشتار حیوانات دشت‌های پر ارزش طبیعی آذربایجان ید طولانی داشت و منارها را به علامت توانایی خود در شکار آهو از شاخ آهوان می‌ساخت). از این سه منار امروز فقط یکی به نام منار شمس تبریزی باقی است.

پس از مرگ شاه اسماعیل عثمانی‌ها آذربایجان و خوی باز بار سنگین تلفات جنگ سالاران را به دوش کشید. بی‌کفایتی و جباریت و فساد شاهان صفوی، حتی پس از انتقال پایتخت از تبریز به قزوین، کار را بر مردم خوی تنگ‌تر و سخت‌تر می‌کرد و حمله‌ها هم ادامه می‌یافت.

شاه عباس که به سلطنت رسید نخست در پیمان صلح سال ۹۹۹ با عثمانی بلاد آذربایجان را واگذار کرد خود را کنار کشید. اما پس از چند سال و تحکیم موقعیت و پایان دادن به

خوی برای شکوفایی به چه چیزهایی نیاز دارد:

خوی را دریابیم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شهر خوی بنا به سرشماری ۱۳۸۵ در حدود ۱۸۱۵۰۰ نفر جمعیت داشته است. در سرشماری‌های پیشین جمعیت شهر عبارت بود از جدول زیر:

به این ترتیب جمعیت شهر خوی که در میانه‌ی سال ۱۳۹۰ در حدود ۲۰۰ هزار خواهد بود در فاصله‌ی ۵۵ سال در حدود ۸/۲ برابر شده با نرخ رشد متوسط سالانه‌ی تقریباً ۴ درصد رشد کرده است. این جمعیت بیش‌ترین رشد خود را در گذشته می‌آزمود به نحوی که نرخ رشد جمعیت شهر به تدریج کاهش یافته است. نرخ رشد در دهه‌ی ۸۵-۱۳۷۵ معادل ۲ درصد و چیزی کم‌تر از نرخ رشد جمعیت شهری کل کشور بود. با این وصف شهر خوی به میزان محدودی مهاجرپذیر است، گرچه نرخ مهاجرپذیری نسبت به گذشته کاهش یافته است. شهر خوی، در میان ۸۲ شهر که بالاتر از صد هزار نفر

استان آذربایجان غربی ۵۶۵۰ کیلومتر مربع مساحت دارد از ۱۹ شهرستان، ۴۲ بخش، ۵۸ شهر و ۱۶۱ دهستان تشکیل شده است. این استان بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران، یکی از بی‌نظیرترین و بزرگ‌ترین دریاچه‌های جهان، یعنی دریاچه ارومیه را در خود جای داده است. این دریاچه میراثی طبیعی است که بر اثر مداخله ناسنجیده برای احداث پل از طریق خاک‌ریز و به دلایل بی‌توجهی‌ها و جفاهای زیست محیطی در حال خشک شدن و نابودی است. یکی از شهرستان‌های ۱۹ گانه این استان، شهرستان خوی است که خود از ۴ بخش و ۱۱ دهستان تشکیل شده است و شهر خوی مرکز آن است. دکتر رئیس‌دانا در مقاله پژوهشی زیر راهکارهایی برای توسعه اقتصادی فرهنگی و گردشگری استان ارائه می‌دهد.

سال	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۷۰	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
جمعیت	۱۸۱۵۰۰	۱۴۹۰۰۰	۱۳۸۰۰۰	۱۱۵۰۰۰	۷۰۰۰۰	۴۸۰۰۰	۲۴۵۰۰



دیگر این خطه را در معرض جنگ و طمع‌ورزی ارتش عثمانی قرار داد تا این‌که بالاخره نادر پیروز شد و کار را یک سره کرد و خوی نفس راحتی کشید. اما این نفس راحت دیری نپایید از اواخر عمر نادر شورش و جنگ دائمی در خوی و اطراف آن به پا شد. شکل‌بندی تقریباً فدراتیو کریم‌خانی به احمدخان حاکم اهل خوی امکان داد در آبادانی خوی کوشش‌هایی را به‌کار ببرد. از گرفتاری‌های درونی و ناملایمت‌های بیرونی خوی در دوره‌ی بعد می‌گذرم تا به جنگ ایران و روس برسیم.

داستان جنگ‌های ایران و روس را همه می‌دانیم. می‌دانیم که روحیه‌ی توسعه‌طلبی ذاتی تزارها در برابر ضعف فرمانروای سیاسی ایران و درباری قرار داشت که پر بود از نهاد‌های اختلاف بین امیران، خوانین و شاهزادگان که بی‌کفایتی فتحعلی‌شاه عیاش و نادان بر آن حکم می‌راند.

نتیجه‌ی جنگ وقتی ایران نتوانست تدبیر سیاسی موثر به کار ببرد و استقلال عمل در ایجاد تعارض و توازن در میان نیروهای

که در آن عثمانی با توافق روسیه می‌طلبد و از ضعف و فتوری دستگاه مرکزی اصفهان پس از حمله‌ی افغان‌ها به درون ایران و تصرف اصفهان استفاده می‌کرد. در آخر زمستان ۱۱۳۶ هـ ق و پیش از مراسم نوروز مردم خوی باز شاهد حمله‌ی گسترده عثمانی بودند. قلعه‌ی خوی که به امر شاه عباس برای دفاع در برابر عثمانی ساخته شده بود ۵۳ روز در محاصره‌ی نیروهای متجاوز قرار گرفت و شاه طهماسب جانشین شاه سلطان نیز کاری از پیش نبرد و مردم خوی باز شاهد آتش و غارت فتنه شدند.

یادگار ذهنی مردم خوی در این حمله‌ی خونین و کشتارهای بی‌شمرانه در آن، فرماندهی مقاومت توسط شهبازخان بود که هنوز زبانه‌ی مردم است.

نادرشاه در ۱۱۴۲ به آذربایجان آمد عثمانی‌های متجاوز را بیرون راند، تبریز را آزاد کرد و خوی نیز به دنبال آن از نیروهای خارجی تخلیه شد. خودخواهی و جاه‌طلبی شاه طهماسب بار

۳۲۵ سانتی‌متر است که نزدیک به دو برابر متوسط کشور اما نیمی از متوسط جهان است. خوی چهار فصل را تجربه می‌کند. میانگین بارندگی در فروردین و اسفند بیش تر و در مرداد و شهریور و مهر کم‌ترین است. متوسط درجه‌ی حرارت خوی ۱۷ درجه سانتی‌گراد است که در ماه‌های دی و بهمن به حدود ۵- تا ۹- به‌طور متوسط (و گاه تا ۲۴- درجه) می‌رسند. در ماه‌های تیر و مرداد ۲۴ تا ۲۶ درجه است که گاه به ۳۸ درجه می‌رسد. رطوبت نسبی خوی در اوایل بهار به‌طور متوسط ۸۰ درصد است که در مرداد و شهریور به حدود ۷۰ درصد و در آذر و دی به حدود ۹۰ درصد می‌رسد.

ارتفاعات استان آذربایجان غربی امتداد کوه‌های ارمنستان‌اند که از شمال به جنوب کشیده می‌شوند و به زاگرس می‌رسند. ارتفاعات بیش‌تر در غرب استان جای دارند. ارتفاعات شمالی و غربی در بیش‌تر ایام پوشیده از برف و یکی از دیدنی‌ترین و مفرح‌ترین مناطق طبیعی و ورزشی‌اند. شهرستان خوی قله‌ی اورین با ارتفاع ۳۶۲۲ متر را در خود دارد.

شهرستان خوی ۱۳ درصد از جمعیت استان را در خود جای داده است اما در سال ۱۳۸۵ شمار شاغلان شهرستان ۱۱۴۶۰۰ نفر از کل شاغلان ۸۵۶۷۰۰ نفری استان یعنی ۱۳/۴ درصد بوده است که چندان نشان از وفور شغل و رونق اقتصادی شهرستان ندارد. در خوی نیز نرخ بیکاری به ویژه بیکاری جوانان بسیار بالا است. از کل شاغلان استان فقط ۱۱/۴ درصد زن‌اند. در شهرها و روستاها نیز این نسبت همان ۱۱/۴ درصد است. پایین بودن اشتغال زنان (و جوانان نیز که

جمعیت دارند قرار دارد. در سال ۱۳۸۵ در میان ۱۰۱۴ شهر کشور شهر خوی رتبه‌ی چهل و چهارم را دارد. در سال ۱۳۸۵ جمعیت استان ۲۸۷۳۰۰۰ نفر و جمعیت شهری آن ۱۷۲۵۰۰۰ نفر بوده است. به این ترتیب خوی بیش از ۱۰ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده است.

استان آذربایجان غربی یکی از مناطق کوهستانی کشور است که موقعیت طبیعی متنوعی هم دارد. این استان هم مرز ترکیه و عراق است. در شهرستان خوی نیز بخش‌ها و استان‌هایی این هم مرزی را دارند. شهر خوی با مرز ترکیه در حدود ۴۰ کیلومتر فاصله دارد. مسیر جنوب به شمال مهاباد - ارومیه - سلماس - خوی - ماکو - بازرگان مسیر اصلی استان است، که از غرب طول دریاچه می‌گذرد. استان آذربایجان غربی می‌تواند از طریق ارومیه و یک جاده‌ی کوهستانی زیبا به استان وان ترکیه ببیوندد. فاصله ارومیه - وان ۲۴۰ کیلومتر است که ۴۰ کیلومتر آن در خاک ایران است و نیاز به آسفالت دارد. کارشناسان، مدیران گردشگری و سازمان‌های غیر دولتی بارها آسفالت این مسیر را که می‌تواند تأثیر مثبت جدی بر فعالیت گردشگری داشته باشد از مسئولان درخواست کرده‌اند. مسئولان نیز با آن مخالفتی نکرده‌اند، اما اقدامی هم نکرده‌اند و مانده است باور کارشناسی عمومی‌تر و قوی‌تر به این مسیر، طرح آن و همت اجرا.

شهرستان خوی ۱۲ درصد از مساحت و ۱۳ درصد از جمعیت استان آذربایجان غربی را به خود اختصاص داده است. بارندگی سالانه در خوی (بر حسب گزارش دستگاه هواشناسی) در حدود



از راست:
نیروگاه خوی، مسجد خان و مزار شهیدان

چگونه به اذیت و عزوبت ایشان راضی شوم!" باری این میر فتح مالک بزرگ و عامل بهره‌کشی ضد بشری از مردم آذربایجان غربی بوده است و در جنگ نیز منافع خود را جستجو می‌کرد و عباس میرزای نایب السلطنه و نیروهای مقاومت او را فدای منافع خود کرد. تازه پس از ۱۲۴۴ که قرارداد ترکمانچای که یک پیمان مودت بود منعقد شد باز سربازان روس وارد شهر شدند تا غرامات بگیرند و گرفتند، آن هم غراماتی سنگین.

در جریان جنگ اخیر خوی یکی از سنگرهای مقاومت بود به رهبری بهرام میرزا پسر عباس میرزا. از همان زمان مردم خوی بار مصیبت و محرومیت را از یک سو و شوق فرستادن فرزندان‌شان برای مقاومت را از دیگر سو در تاریخ خود ثبت می‌کردند. مدتی فتحعلی‌شاه خود در خوی اقامت کرد اما با شنیدن خبر تهاجم قدرت‌مند روس‌ها و عبور آن‌ها از اس‌ان‌جا را ترک کرد. در مدت توقف فتحعلی‌شاه در خوی مردم این شهر و روستائیان از اردوی شاهی و و تجاوزات آنان رنج فراوان دیدند، اما در

خارجی بر قرار و جان و مال مردم را نجات دهد و وقتی ایران از نیروی مقاومت مرزی خالی بود، به وضوح شکست و سپس فروپاشی روحیه ملی و در خود فرورفتگی سلطنت قاجار بود. ایران پس از آن به نخجیرگاه امتیازهایی که خارجیان می‌گرفتند، تبدیل شد.

پس از قرارداد گلستان در ۱۲۸۸ ه ق لشگرکشی بی ثمر مبنی بر فشارهای تحریک‌آمیز و تحریکات جنگ‌طلبانی، که با اصلاحات عباس میرزا مخالف بودند و جنگ را حافظ منافع خود می‌دید، منجر به شکست سخت سال ۱۲۴۲ نیروهای ایران در گنجه و کشته و اسیر شدن هزاران نفر از آنان شد. پس از آن نیروهای روسیه به سمت تبریز آمدند و شهر را با یاری خیانت میر فتح مجتهد تبریز که خود و وابستگان و کسان و همپایگانش عامل اصلی یأس و فتوری مردم در طول سالیان بود فتح کردند. همراه با آن ایروان نیز سقوط کرد. میر فتح پس از آن گفته بود "سالدات (سربازان روس) به جای فرزندان من اند،

جنگلی استان را دارا است.

به گزارش سازمان صنایع و معادن استان آذربایجان غربی از ۲۷۷ فقره جواز تأسیس صادر شده در استان در سال ۱۳۸۶ نزدیک به ۱۱ درصد آن به خوی تعلق داشته است و تقریباً مناسب با نسبت جمعیت شهرستان به استان است. به این ترتیب با توجه به سایر آمارهای صنعتی می‌بینیم که ارومیه بیش‌ترین جلب آثار صنعتی و صنایع فن‌بر را دارد و خوی از این حیث بسیار فقیر اگرچه بسیار مستعد است و در برنامه ریزی های استانی خوی نیاز به توجهی ویژه - حالا نگویم تبعیض آمیز دارد. با ملاحظه پروانه‌های صادر شده توسط سازمان صنایع و معادن استان نیز با چنین کم توانی صنعتی برخورد می‌کنیم: ۱۳/۶ درصد از پروانه‌های صنعتی استان به شهرستان خوی تعلق داشته اما به ترتیب ۱۱ درصد و ۱۴/۴ درصد از سرمایه و اشتغال. ۵۳ واحد از ۴۴۵ واحد کارگاه‌های صنعتی استان در خوی بوده‌اند که بخش عمده‌ی آن‌ها بین ۱۰ و ۴۹ نفر کارکن داشته‌اند. در سال ۳۸۵، در حدود ۱۱ درصد از ارزش افزوده‌ی صنعتی به خوی تعلق داشته است. در یک کلام خوی صنعت، معدن و بهره‌برداری صنعتی - معدنی ناچیزی دارد گرچه از حیث اشتغال سهم شهرستان نسبتاً بالا است.

شمار پروانه‌های ساختمانی صادر شده در نقاط شهر خوی ۶۱۹ نفر از ۸۵۱۰ نفره‌ی استان یعنی ۷/۳ درصد بوده است که به شدت کم‌تر از سهم جمعیت شهر خوی نسبت به کل جمعیت شهری استان (یعنی ۱۰/۶ درصد) است. این ارقام می‌رسانند و بررسی‌های

جداگانه حساب شده است) همه جا و از جمله برای استان آذربایجان غربی ناپسند و غیر قابل قبول است.

شاغلان بخش کشاورزی شهرستان خوی ۳۱ درصد کل شاغلان و در استان ۲۹/۵ درصد است. اما در بخش صنعت (ساخت) ۲۰ درصد و در استان ۱۲/۶ درصد است. در بخش ساختمان ارقام به ترتیب ۹ درصد و ۱۲/۵ درصد است. این ارقام از تمرکز نسبی شهرستان در خوی حکایت دارند.

در شهرستان خوی ۱۲/۴ درصد از بهره‌برداران کشاورزی (با سهم بسیار اندکی از شرکت‌های رسمی) فعال‌اند. اما ۱۴ درصد از بهره‌برداران خوی زراعی و ۹ درصد از بهره‌برداران باغی در این شهرستان قرار دارند. سهم خوی در پرورش دام بزرگ در حدود ۱۲ درصد و در دام کوچک در حدود ۱۵ درصد است. به این ترتیب تمایل و وضع موجود کشاورزی زراعتشان و دام‌های کوچک شناخته می‌شود. این وضع تا حد زیادی با استعداد طبیعی و تجربه‌های تولیدی شهرستان سازگار است. مساحت متوسط هر بهره‌بردار دارندگان زمین کشاورزی در خوی ۳/۳۷ هکتار و در کل استان ۵/۲۲ هکتار است. خوی به طور نسبی بهره‌برداران کوچک‌تری دارد. پس به شکل‌های متفاوتی و توجه بیش‌تر برنامه‌ای به ویژه از حیث نهاده‌های کشاورزی و آبرسانی نیاز دارد. خوی در مقایسه با جاهایی چون مرند و ارومیه چندان میوه خیز نیست با آن‌که استعداد دارد و باید برای برنامه‌ریزی، بازاریابی و اقتصادی‌سازی آن فعالیت انجام شود. شهرستان خوی هم‌چنین کم‌تر از ۶ درصد از عرضه‌های



از راست:
مقبره ملاحسن و بیمارستان آیت‌الله خویی

از آن اصلاحات امیرکبیر به ویژه توجه او به نتایج اشتغال از سوی عثمانی تا حدی متوجه خوی شده بود. مثلاً امیر توانست ضیاءالدوله از حکام وابسته و زورگو را از حکومت خوی عزل و کسان دیگر را به حکومت برگزیند.

البته تاریخ خوی نام نیک شجاع الدوله، حاکم لایق و با انصاف نیز در خود ثبت کرده است. اما دریغاً که اصلاحات به هر حال درد چندانی را از دردهای ریشه‌دار مردم دوا نمی‌کرد.

اگر در تمام دوران تعدیات و نا امنی‌ها، جنگ‌ها و بالا پایین شدن‌های زندگی از درون مردم خوی اندیش‌مندان، شاعران، فرماندهان، حاکمان، عارفان و مصلحان اجتماعی بزرگی بیرون آمدند (که جای بحث و معرفی آن خارج از این مقاله است)، در پایان کار دوره‌ی طولانی خون و آتش در زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی ایران فرسوده شده‌ی ایران، مشروطه بیرون آمد و نقشی که خوی و فرزندان آن در این تحول دوران ساز ایفا کردند بسیار بارز است.

باریدن گرفت: پرداخت کرورها غرامت و مالیات که بار آن بر دوش مردم ایران و آذربایجان و خاصه خوی سنگینی می‌کرد، زلزله مهیب خوی در ۱۲۸۹ که بیش از ۱۰۰۰ نفر را کشت.

حمله‌ی عثمانی به قطور، پس از مرگ محمد شاه در ۱۲۶۱ و کشتارها و غارت‌ها در پی آن، شیوع وبا، هجوم ملخ و آفت و شایعات مداوم حمله روس و عثمانی و ایجاد وحشت و ناامنی، فشار خوانین و حکام و امیران و دیوانیان محلی به مردم، بی نوا برای جبران کسری‌ها و تأمین هزینه‌های عیاشی و فرمانروایی‌شان و ادامه‌ی فشارها برای جبران غرامات پرداخته، جنگ، فتنه و توطئه‌ی محلی سربازان و امیران همه و همه کار را به جایی رسانید که خوی به شهری فقیرنشین و اطرافش به روستاهایی مشکل‌دار تبدیل شد که بر آن چند خان محلی زورگو حکومت می‌کردند. اما در پس پرده ماهرانه در جنگ بودند "ناخدای استبداد با خدای آزادی". تا پس از سیاه‌کاری دوران محمد شاهی و ناصری نوبت به مشروطه برسد. بیش

توسعه‌ای اجتماعی - اقتصادی باشند.

به ویژه تعمیر و نگهداری و به راه اندازی شهرک‌ها و مناطق دیدنی شهر (منار و غار و طبیعی) و برون شهری (مثلاً محل ورزش‌های طبیعی و صحرایی) از یک سو و تقویت صنعتی از حیث صنایع مصرفی سبک و سازگار با محیط زیست اصلی ترین محورها هستند. این محورها نمی‌توانند بر بنیاد دعوت از سرمایه‌گذاران بسیار پر توقع صورت گیرد. سرمایه‌گذارهای دولتی و جانشین کردن برخی از طرح‌های بی ثمر و فقط نمادار با این طرح‌ها نه در چارچوب سودبری بسیار بالا بلکه همساز با اشتغال‌زایی، توسعه‌ی خدمات شهری و افزایش مشارکت مردم برای خوی ضرورت حیاتی دارد. اما امید خوی فقط به این بررسی‌های کارشناسی، درخواست از دولت‌ها و مسئولان نیست و نباید باشد. تاریخ خوی، تاریخ به پا خیزی مردمی شریف، درستکار، سخت کوش، مهربان و مبارز است.

مردم خوی باید برای توسعه‌ی همگانی، عدالت و رفاه، آزادزیستی و خلاصه بهروزی پایدار، آگاه‌تر و مصمم‌تر باشند. مردم محروم و نیروی کار به ویژه شامل زنان و جوانان نیروی اصلی تحول‌اند. اما اهرم‌های اجتماعی چون فرزندان، روشن‌فکران، فعالان اجتماعی، معلمان و پیشگامان بهبود اوضاع شهر و توسعه‌ی فرهنگی آن، که در غالب انجمن‌هایی خوش نام و مصمم و با تکیه بر ابزارهای فرهنگی و آگاهی بخش پا پیش گذاشته‌اند باید این نیرو را به حرکت آورند.

جمعیت زیاد است. این توان اجتماعی نیرومندی را در این شهر می‌رساند و در حالی است که سطح درآمد هزینه‌ی خانوار هم در مناطق خوی و هم در مناطق روستایی به طور جدی پایین‌تر از متوسط کل کشور است و خوی پایانه‌ی مسافرتی از مسیر خط آهن تبریز - بازرگان ندارد و باید داشته باشد.

تعداد اقامت‌گاه‌های عمومی در شهرستان خوی ۲۴ واحد از ۱۷۸ واحد استان که هیچ یک در واقع هتل قابل قبولی برای آینده و توان بالقوه گردشگری خوی به حساب نمی‌آیند. محل‌های صرف غذا و نوشیدنی نیز ۶۹۴ واحد است که باز هیچ یک رستوران درجه یک و دو نیستند. آینده گردشگری در خوی هم امیدبخش است هم ناامید کننده. زیرا نیرویی برای تبدیل توان بالقوه به توان بالفعل به کار نمی‌افتد. به هر حال گردشگری از راه‌های اصلی رونق‌بخشی به خوی (در کنار خدمات آموزشی و صنایع) سازگار با محیط زیست شهری و طبیعی است. خوی دو سینما دارد.

کوچک و ناچیز. خوی تئاتر ندارد. تالارهای کنسرت - تالارهای همایش و محیط‌های فراغتی - رفاهی - فرهنگی ندارد. زنان خوی، جوانان خوی و آینده‌ی خوی در گروه اقدام جدی برای توسعه‌ی فرهنگی شهر است. توسعه‌ی فرهنگی شهر مقدم بر فعالیت‌های زیرساختی بزرگ است. رونق بخشی به اقتصاد خوی، رشد صنایع متوسط، بهره‌ور کردن کشاورزی، ایجاد خدمات گردشگری و توسعه‌ی فرهنگی خوی باید محورهای اساسی